

تحلیل شرایط تحقق عسر و حرج به علت اعتیاد زوج در پرتو نقد رأی صادره از دیوان عالی کشور

مهسا ستاری^۱

چکیده

مستفاد از ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، زوجه می‌تواند با اثبات یکی از موارد عسر و حرج به محاکم مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج اثبات شود، دادگاه زوج را اجبار به طلاق می‌نماید. یکی از موارد تحقق عسر و حرج، بند دو ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی است. به این شرح که، اگر اعتیاد زوج به اساس زندگی خانوادگی، خلل وارد آورد و امتناع از ترک اعتیاد یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است، می‌تواند از موارد عسر و حرج تلقی گردد. مصداق اعتیاد زوج با توجه به بررسی آرای صادره از محاکم، شخصی محسوب می‌شود و شرایط اجرای مفاد بند دو و نحوه اثبات عسر و حرج و دشوار بودن ادامه‌ی زندگی در فرض تحقق اعتیاد زوج، حتی در شرایطی که عدم پرداخت نفقه و سوءرفتار را در پی دارد، با ابهام مواجه است. نقش آراء محاکم در تفسیر قوانین و رفع ابهام از آنها، حائز اهمیت است، آنچه در این نوشته مورد بررسی قرار می‌گیرد، نقد رأی صادره از دیوان عالی کشور به منظور توصیف و تحلیل شرایط تحقق عسر و حرج در خصوص مصداق اعتیاد و چالش‌های آن می‌باشد. این نوشتار توصیفی-تحلیلی است و گردآوری مطالب با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتالی (آراء مندرج در سامانه پژوهشگاه قوه قضاییه) انجام شده است.

واژگان کلیدی: عسر و حرج، طلاق، اعتیاد، نقد رأی، ماده ۱۱۳۰ ق.م.

در این پرونده، زوجه درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش و اجرای صیغه طلاق به لحاظ عسر و حرج زوجه و تحقق شرایط ضمن عقد (به علت اعتیاد زوج) و تصمیم‌گیری درخصوص حضانت فرزند را داشته است. زوج اعتیاد به هروئین دارد و ماحصل ازدواج یک دختر ۴ ساله می‌باشد. زوج علی‌رغم تعهد به ترک اعتیاد و مراجعات مکرر به مراکز ترک اعتیاد، ترک اعتیاد ننموده است. اعتیاد زوج، اساس زندگی مشترک را متزلزل نموده و موجب سوءرفتار و سوء معاشرت زوج و ترک کامل معاشرت اقوام گردیده است و از سوی دیگر موجب ناتوانی مشارالیه در تأمین مایحتاج زندگی همسر و فرزند گردیده است و تمام هزینه‌های زوجه و فرزند، از سوی خانواده زوجه پرداخت می‌شود. تلاش زوجه در مطالبه مهریه به عنوان پشتوانه زندگی و تحمل حس نیز بی‌نتیجه و بی‌فایده بوده است. طبق دفاعیات وکیل خواهان، فقدان تلاش در جهت آزادی به وضوح دلالت بر بی‌توجهی زوج نسبت به زندگی و سرنوشت همسر و فرزند دارد و به استناد بندهای ۱ و ۲ و ۷ سند ازدواج صدور گواهی عدم امکان سازش جهت اجرای صیغه طلاق تقاضا شده است.

زوجه به علت وجود عسر و حرج شدید مهریه خود را نیز بذل نموده است. دادگاه پس از ارجاع به داوری و اخذ نظر داوران و معرفی نمودن زوج به پزشکی قانونی جهت تست مواد مخدر و منفی اعلام شدن آزمایش اعتیاد، نهایتاً به شرح دادنامه مورخ ۹۰/۰۷/۱۶ توجهاً به مفاد دادنامه شماره ۸۹-۰۱۲۷ شعبه ۱۰۱ جزایی خرامه مبنی بر محکومیت خوانده به پرداخت دیه، جهت ایراد صدمه بدنی عمدی به خواهان و با توجه به رونوشت تعهد

خواننده در شعبه ۱۰۱ جزایی مبنی بر عدم مصرف مواد و پرداخت نفقه خواهان و فرزند مشترک و با لحاظ زندانی بودن خواننده به مدت ۱۸ ماه جهت عدم پرداخت مهریه و با توجه به بذل مهریه و حقوق قانونی از جمله نفقه توسط زوجه ... در مجموع درخواست خواهان موجه و ثابت تشخیص داده است و با احراز عسر و حرج مشارالیهها به استناد مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی حکم به الزام خواننده به طلاق خواهان از نوع بائن صادر می‌کند. زوج تجدیدنظرخواهی می‌کند و اعتراض او نسبت به اصل طلاق بوده و رسیدگی در مرحله تجدیدنظر به شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان فارس محول شده است و این دادگاه به موجب دادنامه شماره ۰۱۰۶۱-۱۱/۲۳-۹۰/۱۱ و با استدلال مشابه استدلال دادگاه بدوی تجدیدنظرخواهی زوج را مردود دانسته و به دلیل اعتراض زوجه نسبت به حضانت، با قید بذل مهریه، نفقه و حقوق مالی از سوی زوجه، دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید می‌کند.

پس از فرجام‌خواهی، دیوان عالی کشور رأی را به دلایلی واجد ایراد و خدشه دانسته است: عمده استدلال دادگاه بدوی، جهت احراز عسر و حرج زوجه و توجیه صدور حکم طلاق اعتیاد زوج به مواد مخدر و ایراد ضرب و جرح وی نسبت به زوجه می‌باشد، حال آن‌که اعتیاد موجب عسر و حرج به گونه‌ای که توصیف گردیده که بر اساس زندگی خلل وارد آورده و الزام زوج به ترک آن ممکن نگردد، نبوده است و در مانحن‌فیه به فرض این‌که اصل اعتیاد محرز باشد، با توجه به ادعای زوج به ترک اعتیاد و گواهی پزشکی قانونی بر عدم اعتیاد، بررسی لازم درباره اعتیاد مضر انجام نشده است و ایراد ضرب و جرح هم علاوه بر این‌که یک فقره محکومیت زوج بدون احراز سوءرفتار مستمر زوج از مصادیق تحقق عسر و حرج نمی‌باشد،

دادنامه استنادی درباره محکومیت زوج مربوط به فرد دیگری بنام ه.د است که در این خصوص نیز توجه کافی نشده و بررسی لازم به عمل نیامده است. بنابراین، به جهات اشعاری در وضعیت حاضر رأی صادره قابلیت تأیید را ندارد و نقض می‌گردد و رسیدگی مجدد به همان شعبه صادرکننده رأی منقوض محول تا با بررسی همه‌جانبه رأی مقتضی صادر فرمایند.

۱. نقد رأی

طبق تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، یکی از موارد درخواست طلاق به دلیل تحقق عسر و حرج، اعتیاد زوج می‌باشد؛ بنابراین، زوج هم می‌تواند به استناد شروط ضمن عقد و هم ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش شده است. دعوای درخواست طلاق به دلیل تحقق عسر و حرج یا شروط ضمن عقد، زوج مدعی است و باید عسر و حرج را اثبات نماید و دلایلی مبنی بر تحقق عسر و حرج اقامه نماید، اما احراز آن با دادگاه است.

دادگاه بدوی، به استناد سوابق ترک اعتیاد و عدم پرداخت نفقه و شواهد موجود در پرونده و استناد به پرونده کیفری و گزارش پزشکی قانونی و نظر داوران، عسر و حرج را محرز دانسته است. به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که موجب قطعیت در تشخیص عسر و حرج شده است، بذل مهریه و صرف نظر کردن از حقوق زوج و طلاق بائن می‌باشد که چالش‌های این موضوع در شرایط و دلایل اثبات عسر و حرج بررسی می‌شود.

دادگاه تجدیدنظر نیز رأی را فاقد جهات قانونی نقض دانسته، اما استدلال دیوان بر این پایه است که درخصوص اعتیاد مضر، تحقیقی انجام

نشده است. به نظر می‌رسد، منظور از اعتیاد مضر، پرخطر و یا کم‌خطر بودن مواد مخدر، تعداد و سال‌های مصرف و نحوه مصرف و تبعات منفی مصرف مواد مخدر در خانواده می‌باشد.

اعتیاد به موادی مانند کراک، کوکائین و موادی که به طور مصنوعی در آزمایشگاه تولید می‌شوند، مانند ال.اس.دی و موادی که قدرت اعتیادآوری زیادی دارند و یا موادی که به صورت تزریق مصرف می‌شوند، مانند هروئین، پرخطر محسوب می‌شوند (امیرپور و قربانی، ۱۳۹۱: ۲۰۲-۲۰۱). مواد پرخطر یا سخت، دارای عوارض جسمانی بیشتر و غیرقابل اغمازی بوده و فرد را به شدت معتاد می‌کنند و اعتیاد روحی شدیدی نیز به همراه دارد (احسان‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۰)، اگرچه برخی معتقدند بند ۲ ماده ۱۱۳۰ بایستی مانند بند ۹ ماده ۸ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳، محدود به اعتیاد مضر باشد (جلالی، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۷)، اما استعمال مواد مخدر هرچند به صورت تفننی نیز ممکن است برای احراز سوءرفتار کافی باشد (صادقی‌مقدم و انصاری‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۸)، و در این پرونده علی‌رغم اعتیاد مضر، مشخص نیست که به چه علتی دیوان در تشخیص اعتیاد مضر تردید داشته و رأی را نقض نموده است.

استدلال دیوان مبنی بر این که شرایط تحقق عسر و حرج محقق نشده است، مستفاد از ظاهر ماده و شرط مندرج در بند ۲ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، یعنی امکان ترک اعتیاد می‌باشد. طبق استدلال دیوان، در این پرونده عدم پرداخت نفقه، سوءرفتار و محکومیت به ضرب و جرح نیز از مصادیق عسر و حرج اعلام نشده است. در دادنامه‌ی مشابهی نیز اعتیاد، حتی زمانی که سوءمعاشرت، عدم پرداخت نفقه، سابقه محکومیت به پرداخت دیه و حمل

مواد، روابط نامشروع را در پی دارد، نیز موجب تحقق عسر و حرج اعلام نشده است؛ بنابراین این سوالها مطرح می‌شود:

علاوه بر سوابق ترک اعتیاد، عدم پرداخت نفقه، سوء معاشرت و .. چه شرایطی برای اثبات عسر و حرج لازم است؟ دلایل اثبات شرایط حرجی چیست؟ آیا زن محکوم به سوختن و ساختن است؟ به جز فرزند که سن کمی دارد، چه کسی شاهد سوء رفتار زوج است که بتواند در این دعاوی شهادت دهد؟ آیا ارجاع به داوری در این دعاوی از کارایی لازم برخوردار است؟

آنچه در ادامه این نوشتار بررسی می‌شود، تحلیل شرایط تحقق عسر و حرج در خصوص مصداق اعتیاد و چالش‌ها و راهکارهای آن در پرتو نقد رأی صادره از دیوان عالی کشور می‌باشد.

۲. نقد و بررسی احکام و مبانی حقوقی مطرح شده

عسر در مقابل یسر به معنای تنگدستی و فقر و تهیدستی (معین، ۱۳۷۹: ۲۳۰۰) و حرج در لغت، به معنای تنگ‌دل شدن و به کار در ماندن می‌باشد (معین، ۱۳۷۹: ۱۳۴۷). معنای عسر در فقه دشواری شدید است که به حد ضیق برسد و معنای حرج نیز ضیق و تنگنا، در مقابل سعه و گشایش است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۱۰). عسر و حرج، تکالیفی است که خارج از طاقت و مافوق توانایی و استطاعت است (نراقی، ۱۴۰۸: ۶۱). هر حکمی از احکام اولیه شرع مقدس که برای فردی ایجاد مشقت شدید کند و غیرقابل تحمل باشد، آن حکم حرجی است و رفع می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۳۷۱). وقتی حکم اولیه با مشقت و سختی همراه گردد، برداشته می‌شود، البته مشقت محدود به تنگنای شدید است (علیمرادی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲).

عملی که انسان را به تنگنا بیندازد و دشوار و شاق باشد و موجب اعمال فشار بر فرد گردد، حرج تلقی می‌گردد. قاعده نفی عسر و حرج از قواعدی است که هرگاه مشقتی تحمل‌ناپذیر از اجرای حکم به وجود آید، آن حکم را تعدیل می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۸۱). قاعده عسر و حرج یکی از قواعد ثانویه پذیرفته‌شده در تمام ابواب فقه است (اسدی، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۴). در سوره حج آیه ۷۸ آمده است: شما را به دین خود سرافراز کرده و در مقام تکلیف بر شما مشقت ننهاده است. به این معنی که افرادی که ناتوان از جهاد هستند به علت نفی حرج از جهاد معاف می‌باشند. در آیات دیگری مانند آیه ۶ سوره مائده و آیات ۱۸۵ و ۲۸۵ سوره بقره نیز به عسر و حرج پرداخته شده است.

با تکیه بر بنای عقلاء نیز مبنای عسر و حرج احراز می‌شود و التزام به تکلیف تحمل‌ناپذیر، سبب امتناع مکلف از به‌جای آوردن آن تکلیف می‌گردد و طبق قاعده لطف، با لطف شارع مغایرت دارد (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۹۲-۸۸). مبنای فقهی اختیار زن برای درخواست طلاق، قاعده نفی عسر و حرج است (طباطبایی، ۱۴۲۳، جلد ۶: ۱۱۰). مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی یزدی اولین فقیهی بود که قاعده نفی عسر و حرج را در طلاق به کار برد و معتقد بر این بود که در مواردی که زن باید تمام مدت عمر خود را در مشقت شدید بگذراند، امکان طلاق به وسیله حاکم وجود دارد (عزیزی، ۱۳۹۶: ۲۲۶-۲۱۸). قاعده عسر و حرج در آثار فقها مستند رجوع زن به حاکم برای درخواست طلاق قرار گرفته است. زمانی که زن در عسر و حرج به سر می‌برد و ادامه زوجیت به او ضرر می‌رساند، می‌تواند به حاکم مراجعه کند و تقاضای الزام شوهر را به طلاق بنماید (خوئی، ۱۳۷۹: ۳۲۸ و طباطبائی قمی، ۱۴۱۸: ۴۳۹). درخواست طلاق توسط زوجه یکی از انواع طلاق قضایی است و از

پیشگامان معتقد به طلاق قضایی می‌توان شیخ مفید، ابی‌علی حمزه عبدالعزیز دیلمی، میرزای قمی، شیخ حسین حلی، آیت الله خویی، آیت الله موسوی خمینی را نام برد (علائی رحمانی، ۱۳۸۴: ۴۹).

از امام خمینی پرسش شد: «اگر زندگی زن با شوهر توأم با حرج و غیرقابل تحمل باشد و این موضوع در دادگاه مدنی خاص احراز شود، اما شوهر حاضر به طلاق دادن زن نباشد و در صورت الزام حاکم هم ملزم نشده و اقدام ننماید، آیا اجازه می‌فرمایید از طرف دادگاه حکم به طلاق چنین زنی داده شود؟» ایشان در پاسخ فرمود: «در فرض مذکور و احراز آن مجازند، ولی احتیاط را مراعات نمایید» (خمینی، ۱۳۶۵: ۱۴۱). آیه ۲۳۱ سوره بقره نیز این موضوع را بیان می‌کند که مبدا زنان را به گونه‌ای زیان‌آور نگهداری کنید تا بر آنان ستم روا دارد، هرکس چنین کند، همانا بر خود ستم کرده است.

تحقق عسر و حرج، یکی از موجبات یا اسباب طلاق به درخواست زن می‌باشد که به استناد آن‌ها زن می‌تواند به حاکم درخواست طلاق دهد (صفایی و امامی، ۱۳۷۰: ۲۶۴). قاعده فقهی نفی عسر و حرج، یکی از قواعد مهم در فقه محسوب می‌شود و در قوانین نیز کاربرد دارد. از جمله در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، این قاعده به کار گرفته شده است. با توجه به حکم اولیه "الطلاق بید من اخذ بالساق" که در روایت نبوی آمده است، در تقاضای طلاق مردان اختیار بیشتری دارند و زنان در موارد محدودی می‌توانند درخواست طلاق دهند (صانعی، ۱۳۷۶: ۴۷۹، حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۰ و نوری طبرسی، ۱۳۸۲: ۲۰۶). جمله امساک بالمعروف او تسریح باحسان، از نظر اسلام یک

۱. کتاب کافی جلد ۵، صفحه ۵۰۲، از امام صادق روایت می‌کند: «اذا اراد الرجل ان یتزوج

المرأه فلیقل: " اقررت بالمیثاق الذی اخذ الله: امساک بمعروف او تسریح باحسان"».

اصل کلی است و حقوق زوجیت باید در چارچوب آن رعایت شود (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۷۸).

طبق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، درخواست طلاق از دادگاه از سوی زن منوط به اثبات عسر و حرج است، به این معنی که دوام زندگی مشترک برای زن با عسر و حرج و مشقت همراه باشد. در صورت طرح این دعوا و احراز عسر و حرج، دادگاه زوج را مجبور به طلاق می‌نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوج به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود. طبق قانون مدنی، مصداق دوم عسر و حرج، اعتیاد زوج می‌باشد.

۲.۱. شروط تحقق عسر و حرج به علت اعتیاد

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی در سال ۱۳۷۰، با هدف حل مشکلات زنان و افزایش اختیارات قاضی در خصوص امکان درخواست طلاق توسط زنان اصلاح گردید و در سال ۱۳۷۹ نیز یک تبصره به آن اضافه شد و به دلیل ایراد شورای نگهبان مبنی بر خلاف شرع بودن تبصره‌ها اصلاح گردید. با توجه به نص ماده و حصری نبودن موارد مذکور در تبصره و عدم وجود رأی وحدت‌رویه در این خصوص، رویه قضایی در اجرای مفاد این ماده، مصادیق، شرایط و مفهوم تحقق عسر و حرج و راه‌های اثبات آن نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند.

آسیب‌شناسی طلاق نشان می‌دهد، اعتیاد یکی از عوامل طلاق می‌باشد (بوالهروی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۰-۸۸)، اما صرف اعتیاد از مصادیق عسر و حرج نمی‌باشد (فاضل، ۱۳۸۰: ۴۵۳). مستفاد از بند دو ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و ظاهر ماده، به نظر می‌رسد اعتیاد زمانی موجب عسر و حرج است که شروط آن محقق شده باشد: اولین شرط مربوط به عدم امکان الزام زوج به ترک و امتناع زوج و فعلی بودن اعتیاد است و بعدی این‌که اعتیاد به مواد مخدر

باید موجب اختلال در زندگی زناشویی و خانوادگی شده باشد، اما مشخص نیست شرایط و دلایل اثبات عسر و حرج چیست و زوجه با توسل به چه دلالی می‌تواند عسر و حرج خود را ثابت کند و آیا صرف امکان الزام زوج به ترک اعتیاد، رافع شرایط دشوار زوجه می‌باشد؟

۱.۲.۱. فعلی بودن اعتیاد

با بررسی پرونده‌هایی که علت عسر و حرج، اعتیاد عنوان شده است، می‌توان دریافت اعتیاد باید در زمان طرح دعوا موجود باشد و این معیار فعلی و حادث محسوب می‌شود و به دلیل عسر و حرجی که در گذشته موجود بوده است، قضات حکم به صدور گواهی عدم امکان سازش صادر نمی‌نمایند؛ درحالی‌که حادث بودن سبب عسر و حرج به این معنی نیست که همان روز طرح دعوا این مسأله به وجود آمده باشد، بلکه منظور سببی است که حادث شده و زندگی زناشویی را با عسر و حرج روبه‌رو کرده است. اگرچه این شرط در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ذکر نشده است، اما زمانی که الزام زوج به ترک آن ممکن باشد، تحقق عسر و حرج، مردود اعلام می‌شود و در واقع به مردان فرصتی دوباره داده می‌شود.

در واقع، هدف جلوگیری از حرج و ضرر موجود است، نه جبران ضرر گذشته (جعفر زاده، ۱۳۹۶: ۴۷). اعتیاد باید مضر و فعلی باشد، تا موجب تحقق عسر و حرج گردد؛ حتی صرف اقرار زوج به سابقه اعتیاد موجب تحقق عسر و حرج نیست، بلکه اعتیاد باید مداوم باشد و پس از طرح دعوا نیز استمرار داشته باشد.^۱ درحالی‌که، صرف امکان الزام زوج به ترک اعتیاد، رافع عسر و حرج

۱. شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۲۷۵، تاریخ رأی نهایی ۱۳۹۲/۰۲/۲۵، صادره از شعبه ۲

زوجه نیست و بایستی مطابق نظر مشاوران خانواده و واحد مددکاری اجتماعی، امید به صلح و سازش و اصلاح زوج وجود نداشته باشد. در پرونده مذکور، مصرف طولانی مدت مواد مخدر و چندین بار سابقه ترک مواد و مراجعه به مرکز ترک اعتیاد، به طور واضح حاکی از این موضوع است که زوج علاقه‌ای به ترک اعتیاد نداشته و نسبت به سرنوشت زن و فرزند خود بی تفاوت است و تلاشی در جهت تهیه مایحتاج زندگی مشترک نیز ننموده است.

اگر زندگی زناشویی روال طبیعی خود را طی نکند، یعنی نه سرزندگی و حسن معاشرت و تشکیل کانون خانوادگی سعادتمندانه و اسلام‌پسندانه را داشته باشد و نه زن را رها سازد، چه باید کرد؟ آیا زن محکوم به سوختن و ساختن است؟ خیر؛ اسلام دین برقراری عدالت است،^۱ زمانی که شوهر حقوق مالی و اخلاقی زن را ادا نمی‌کند، مستفاد از آیه ۲۲۹ و ۲۳۱ سوره بقره، دو راه دارد یا حقوق و وظایف زن را ادا کند و یا علقه زوجیت را قطع و زن را رها سازد (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۷۷-۲۷۲).

افراد دارای سوء مصرف مواد از نحوه منفی شدن نتیجه آزمایش ترک اعتیاد و راه‌های آن مطلع هستند و ترک اعتیاد به طور موقت، موجب احقاق حق زوجه نمی‌باشد و عسر و حرج او را از بین نمی‌برد. تمایل به ترک اعتیاد و اعلام آمادگی برای رفتن به مراکز ترک اعتیاد نیز به تنهایی نباید مورد توجه قرار گیرد، زیرا احتمال دارد، زوج به علت ترس از تبعات طلاق و ناتوانی در پرداخت مهریه و حقوق زوجه و نفقه فرزند و با هدف جلب نظر قاضی و جلوگیری از صدور گواهی عدم امکان سازش و یا نقض رأی، آمادگی برای ترک اعتیاد خود را اعلام می‌کند. تحقیق در مورد سوابق ترک

اعتیاد و رفتار زوج و وضعیت زندگی مشترک زوجین و صرف استناد به دفاعیات زوج منجر به رها کردن زنان در وضعیت نابه‌سامانی می‌گردد.

۲.۲.۱ مضر بودن و اختلال در زندگی

شرط دوم تحقق عسر و حرج، اعتیاد مضر است به طوری که شرایط برای زوج غیرقابل تحمل شود. طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، طرفین نیز می‌توانند شروطی که مخالف مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگری بنمایند. مثلاً شرط شود اگر شوهر ترک انفاق کند و یا علیه حیات زن سوء قصد نماید و یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آن‌ها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود، زن پس از اثبات تحقق شرط در محکمه می‌تواند خود را مطلقه سازد. ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، تحقق شروط ضمن عقد را مشروط به اثبات غیرقابل تحمل بودن ادامه زندگی نموده است.

یکی از شروط مندرج در متن نکاحیه که به تصویب شورای عالی قضایی رسید و به سازمان ثبت اسناد و املاک ابلاغ گردید، ابتلای زوج به هرگونه اعتیاد مضر است که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل آورد و ادامه زندگی را برای زوج دشوار سازد (زنجان و شریفی، ۱۳۹۴: ۹۶-۹۵)، البته شروط مندرج در نکاح‌نامه، منوط به امضای آن توسط زوجین است و جنبه اختیاری دارد، اما ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی منوط به توافق طرفین نیست.

در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و تحقق مصادیق عسر و حرج دشوار بودن ادامه زندگی منوط به اعتیاد مضر نیست. ممکن است در مواردی که وضع مالی زوج خوب باشد و قادر به پرداخت مخارج زندگی باشد،^۱ درخواست

۱. شماره رأی نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۹۱۰۰۰۰۴۸۳، تاریخ رأی نهایی ۱۳۹۳/۰۶/۲۳، صادره از شعبه

۲۷ دیوان عالی کشور، به دلیل منفی بودن آزمایش پزشکی قانونی و پرداخت مخارج

زوجه رد شود، اما تبعات منفی اعتیاد و اختلالی که زندگی زناشویی ایجاد می‌نماید، منوط به مضر بودن و تعداد دفعات موادی که شوهر در حال حاضر مصرف کرده است، نیست.^۱ اگرچه در پرونده مذکور و رأی مشابه صادره از شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور، مشکلات دیگری نیز وجود دارد که ادامه زندگی را برای زن دشوار نموده است. به نظر می‌رسد علت رد درخواست زوجه، جلوگیری از فروپاشی زندگی مشترک و کانون خانواده است، اما ادامه زندگی در این شرایط، برخلاف قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج است و زنی که در این شرایط درخواست طلاق و حضانت فرزند را دارد و از حقوق خود نیز می‌گذرد، از تبعات طلاق نیز مطلع است، اما ادامه زندگی مشترک برای او مشقت‌بار شده است.

مطالعاتی که درخصوص آثار طلاق بر زنان و فرزندان انجام شده است، بر این عقیده می‌باشند که طلاق دارای آثار سوئی برای زنان است: مانند ایجاد اضطراب، سرخوردگی، مشکلات معیشتی، انحرافات اجتماعی، ایجاد تفکر نامطلوب، خودکشی و ... (ریحانی و عجم، ۱۳۸۱: ۹۷) و برای فرزندان نیز آثاری مانند بروز افسردگی، پرخاشگری، افت تحصیلی، ازدواج زودرس، فقر، ضعف سلامت جسمی و روانی، تجربه حقارت و ... پیش‌بینی می‌کنند (صدرالاشرفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۱)؛ درحالی‌که، باید واقع‌بینانه و با توجه به نظر مشاوران خانواده و واحد مددکاری اجتماعی و قرائن موجود در پرونده‌ها مانند سوء سابقه حمل مواد، تعداد دفعات ترک مواد، محکومیت به عدم

زوجه، خواسته زوجه را موجه ندانسته است.

۱. طبق دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۴۰۱۰۱۵، تاریخ ۱۳۹۱/۰۶/۰۵، صادره از شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، اعتیاد به تریاک، که دفعات مصرف آن هفته‌ای یک بار بوده است، موجب اختلال در زندگی خانوادگی تشخیص داده نشده است.

پرداخت نفقه و ... به این سوال پاسخ داد که آیا همسر و فرزندان در صورت اعتیاد زوج و عدم تمایل به ترک اعتیاد و آثار ناشی از آن، در وضعیت مطلوبی از نظر جسمی و عاطفی و مالی قرار دارند؟

سخت‌گیری محاکم در احراز شدت عسر و حرج، در حد متعادل خود و با توجه به پیچیدگی دعاوی خانوادگی و با هدف جلوگیری از افزایش آمار طلاق و ازهم‌پاشیدن زندگی زناشویی، موجه می‌باشد، اما در عمل مشاهده می‌شود که حتی استناد به پرونده‌های کیفری برای اثبات سوءرفتار زوج، کافی به نظر نرسیده و منجر به رد دعوی زوجه شده است.^۱ رد دعوا به دلیل قابل تحمل بودن و عدم اثبات عسر و حرج برای دادگاه، درحالی‌که زن امنیت روانی و مالی و جانی ندارد، موجب می‌شود زن در شرایط مشقت‌باری رها شود.

۲.۲. شرایط اثبات

احراز عسر و حرج در این دعاوی ضروری است، زیرا آثار طلاق فراتر از مرز تصمیم شخصی زوجین است و ناهنجاری‌های فراوانی بر جامعه تحمیل می‌کند و عقد نکاح نهادی قانونی است که ورود به آن با اراده آزاد صورت می‌گیرد، ولی خروج از آن با اراده آزاد، خلاف نظم عمومی است و در ضرورت مداخله محاکم در چنین تصمیمی تردیدی نیست (حاتمی و

۱. طبق رأی صادره از شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور به شماره دادنامه، ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۲۰۰۳۲۰،

تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۰۵، تحقق برخی وضعیت‌ها و شرایط که هر یک به‌تنهایی نمی‌تواند بیانگر

عسر و حرج باشد (ازجمله سابقه یک بار محکومیت کیفری ضرب‌وجرح، یک بار مراجعه

به کمپ ترک اعتیاد، توهین) در مجموع می‌تواند مبین وضعیت اجتماعی - اخلاقی زوج و

از مصادیق عسر و حرج زوجه تلقی شود.

شرقی، ۱۳۹۷: ۸۳). به دلیل خلاء قانونی، تعیین معیار تشخیص عسر و حرج با قاضی است، اما این امر می‌تواند آثار سوئی در پی داشته باشد و ممکن است قاضی امری ساده را موجب عسر و حرج بداند و امری دشوار را مصداق عسر و حرج تشخیص نداده و عدالت به صورت یکسان اجرا نشود (حسینیان، ۱۳۸۴: ۱۲).

خلاء موجود در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، موجب تشتت آراء گردیده است و مشخص نیست به استناد چه دلایلی عسر و حرج اثبات می‌شود و زوجه چه دلیل محکمه‌پسندی در دادگاه ارائه کند که حاکی از عسر و حرج باشد. در این پرونده‌ها به نظر می‌رسد صرف نظر کردن زوجه از مهریه از امارات اثبات عسر و حرج محسوب می‌شود و گزارش پزشکی قانونی و ارجاع به داوری به عنوان دلیل اثبات به کار گرفته شده است.

۱.۲.۲ بذل مهریه

با بررسی پرونده‌های مشابه مشاهده می‌شود که بذل کل مهریه یا قسمت قابل توجه آن، از قرائن اثبات عسر و حرج زوجه می‌باشد.^۱ عدم نتیجه درخواست طلاق به استناد ماده ۱۱۳۰ در محاکم به دلیل سخت‌گیری و عدم توسط به دلایلی که در سایر دعاوی کاربرد دارد، موجب می‌شود زوجه به طلاق خلع متوسل شود و طبق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی به دادن مالی به شوهر اعم از این‌که به میزان مهریه باشد یا کم‌تر و بیش‌تر، رضایت شوهر را برای طلاق بگیرد و از بخشی عمده و یا کل مهریه خود صرف نظر کند.

۱. طبق رأی صادره از شعبه دو دادگاه تجدیدنظر استان تهران با شماره رأی نهایی:

۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۲۰۲۹ و تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۱۰، بذل کلیه حقوق مالی از طرف

زوجه، اماره بر عسر و حرج او اعلام شده است.

در حال حاضر رویه محاکم این است که تلاش می‌کنند طلاق به استناد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی را با الزام زوجه به بذل مال و گذشت نفقه به صورت خلع درآورند، تا به این ترتیب طلاق بائن باشد و زوج حق رجوع نداشته باشد (علائی رحمانی، ۱۳۸۴: ۵۹)؛ اما این رویه، ظلم به زنی است که برای رفع ستم و رهایی از فشار و تحمل عسر و حرج دادخواهی کرده است (کشوری، ۱۳۷۳: ۵۲). طلاق باید بائن باشد، زیرا با پذیرفتن رجعی بودن این طلاق این تالی فاسد را به دنبال دارد که مرد حکم طلاق را زائل نماید و با تکرار این دور، زن تا ابد در عسر و حرج باقی خواهد ماند (جعفرزاده، ۱۳۹۶: ۵۰)، اما بائن بودن طلاق ظلم به زنی است که در پی رهایی خود از عسر و حرج بوده است زیرا در مدت عده نفقه ندارد و در صورت فوت شوهر نیز از او ارث نمی‌برد، اما نباید ماهیت بائن بودن، این رویه را ایجاد کند که حتماً باید از نوع خلع باشد، زیرا این امر موجب می‌شود زن و فرزند، علاوه بر تحمل رنج طلاق و تبعات آن، بدون آشیانه و پشتوانه رها شوند.

۲.۲.۲. ناکارآمدی داوری

طبق آیه ۳۵ سوره النساء که یک نفر از خاندان مرد و یک نفر از خاندان زن به نیت اصلاح، بین زوجین توافق ایجاد کنند. طبق ماده ۲۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، زوجین بایستی پس از قرار ارجاع به داوری، یکی از اقارب متأهل خود را که حداقل سی سال داشته و آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشد را به عنوان داور به دادگاه معرفی کنند.

در حال حاضر به دلیل حجم بالای پرونده‌ها در دادگاه‌های خانواده و کمبود نیروی انسانی، فرصت انتخاب دقیق داوران وجود نداشته و جزئی از

فرآیند اداری دادرسی شده است، اما در واقع رسالت دادرسی احراز عسر و حرج و عدم امکان صلح و سازش و احراز اختلاف واقعی است (دیانی، ۱۳۸۳: ۴۳) اما این سوال مطرح می‌شود که آیا ارجاع به داوری برای احراز عسر و حرج کفایت می‌کند؟

با توجه به این‌که معمولاً داور از بستگان زوجین می‌باشند، احتمال دارد زوجه به دلایلی مانند حجب و حیا و آبروداری از بیان بسیاری از مسائل شخصی پرهیز کند، اگرچه اعتیاد نمود ظاهری دارد و جزء مصادیقی نیست که مربوط به حریم شخصی زوجین باشد و دیگران اطلاع نداشته باشند، اما داوری در این دعاوی کاربرد زیادی ندارد، بلکه بایستی به واحدهای مشاوره خانواده و مددکاری اجتماعی ارجاع داده شود و به‌طور تخصصی مشکل زوجین بررسی شود، اگرچه در پرونده مذکور داوری عقیده به صلح و سازش نداشته است.

۳. مشکلات ناشی از شخصی دانستن معیار اعتیاد و راهکارهای آن

همان‌طور که ذکر شد، تشخیص معیار احراز عسر و حرج با قاضی است، اما مشخص نیست قاضی باید به صورت شخصی این مصداق را بررسی کند یا به طور نوعی و با رجوع به عرف حکم صادر کند؟ این بحث چالش‌های زیادی را در پی دارد.

برخی معتقدند در تشخیص عسر و حرج، باید علاوه بر در نظر گرفتن حالات روحی و جسمی هر فرد، داوری عرف معقول نیز در نظر گرفته شود، اگرچه اصل در شناسایی عسر و حرج شخصی است، اما داوری عرف نیز باید بر دشواری انجام آن برای فاعل صحه گذارد (کشوری، ۱۳۷۴: ۶۴-۶۳) و در طلاق به‌موجب عسر و حرج هم جنبه شخصی و هم نوعی باید در نظر گرفته شود و از

نظر عرف نیز ادامه زندگی باید طاقت فرسا و مشقت بار باشد، اما به این معنی است که عسر و حرج انسانی متعارف در شرایط خاص زوجه باید مد نظر قرار گرفته شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۶۲-۲۶۱) طبق نظر دکتر امامی، تشخیص درجه‌ای که زن نمی‌تواند زندگی زناشویی را ادامه دهد، به نظر عرف است و در هر مورد باید با در نظر گرفتن وضعیت روحی، اخلاقی و اجتماعی و وضعیت محیط از حیث زمان و مکان تعیین شود (امامی، ۱۳۶۹: ۳۷).

طبق نظریه شماره ۱۳۶۵/۲۸۶۵-۷/۰۹/۰۹/۱۳۷۷ اداره حقوقی، ملاک عسر و حرج هم شخصی است و هم نوعی. شخصی بودن معیار به معنی تنگ شدن عرصه بر فرد است که متناسب با تحمل و بنیه و طاقت او می‌باشد و نوعی است، زیرا عموماً مصداق عنوان شده از طریق دادگاه و به یاری کارشناس و اهل خبره مشخص و سنجیدنی است (متصر اسدی: ۱۳۸۴: ۱۴۴). شخصی بودن عسر و حرج، مشکلاتی را در پی دارد و با توجه به مذکور بودن قاضی ممکن است دیدگاه جنسیتی وجود داشته باشد و از دیدگاه زوج، شرایط عسر و حرج بررسی شود (جعفرزاده، ۱۳۹۶: ۵۰) که برای تعدیل این امر لازم است، قضات زن در رسیدگی و اتخاذ تصمیم مداخله داشته باشند (حاتمی و شرقی، ۱۳۹۷: ۸۵).

معیار عسر و حرج به علت اعتیاد در محاکم، شخصی است. شخصی دانستن این معیار و واگذاری اختیار احراز آن به قاضی، موجب می‌شود این ماده از هدف وضع و اصلاح خود دور شود و موجب می‌شود قضات سلیقه‌ای عمل کنند^۱ و به دلیل رعایت احتیاط، ممکن است رأی به عدم

۱. طبق رأی صادره از شعبه ۲ تجدیدنظر تهران، شماره: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۰۲۷۵، تاریخ رأی

نهایی: ۱۳۹۲/۰۲/۲۵، با توجه به کرات مراجعه به کمپ ترک اعتیاد و زندگی زوجه در

احراز عسر و حرج داده شود، در صورتی که محاکم در مواردی باید احتیاط کنند که دلیلی دال بر اختلاف و مشکلات جدید وجود ندارد و ریشه اختلافات، لجبازی و یا خواسته‌های غیرمنطقی است، مثلاً زوجین بدون دلیل موجهی جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند و در این موارد باید سعی بر صلح و سازش شود. زمانی که بنیان خانواده از هم پاشیده شده است، نباید با توسل به قانون و اصل احتیاط آن را احیاء نمود.

در نظر گرفتن معیار شخصی، در خصوص معیارهایی مصداق دارد که ویژگی و خصوصیت نسبی داشته باشند و با توجه به شخصیت و آستانه تحمل هر فردی متفاوت باشد؛ به طور مثال، ممکن است برای زنی که پزشک می‌باشد، بی‌احترامی و فشار روحی با توجه به شخصیت زن و تربیت خانوادگی و موقعیت اجتماعی او موجب عسر و حرج شدید باشد،^۱ اما برای زنی دیگر با توجه به ویژگی‌های شخصیتی یا اجتماعی وی

منزل پدری و مصرف مواد در منظر خانواده و فرزند هفت ساله، و بیکاری زوج، اعتیاد مضر تشخیص داده شده و شرایط عسر و حرجی اعلام شده است.

در رأی دیگری صادره از شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور، به شماره ۹۱۰۸۳۰۰۰۹۱، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۰۲/۲۵، سابقه حمل مواد، عدم تعهد و احساس مسئولیت و عدم پرداخت نفقه و ضرب و شتم با توجه به بذل مبلغی از مهریه را مثبت عسر و حرج ندانسته و دیوان عالی رغم استناد زوج به پرونده کیفری، استدلال می‌نماید زوجه مدرکی که نشان دهد به ناحق در تنگنا قرار گرفته تا تحمل زندگی بر او غیر قابل تحمل شود را ارائه نداده است و کل مهریه نیز بذل نشده است و محکومیت به روابط نامشروع زوج و نگهداری تریاک مثبت عسر و حرج نیست.

۱. شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۲۰۱۰۶۰، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۰۲/۲۱، صادره از شعبه ۱۲

این گونه نباشد؛ اما برخی از مصادیق را نمی‌توان شخصی دانست. مصادیقی مانند اعتیاد، ضرب و شتم و عدم پرداخت نفقه برای عموم زنان مشقت‌بار و از موارد تحقق عسر و حرج تلقی می‌گردد.

با مراجعه به داوری عرف می‌توان دریافت، اعتیاد همراه با سوءرفتار و عدم پرداخت نفقه و سایر تبعات زندگی زوجه و فرزند وی، مشقت‌بار است و ادامه زندگی را برای او با عسر و حرج مواجه کرده است. نسبی و شخصی دانستن مصداق اعتیاد، برخلاف منطق و بنای عقلاء است و تبعات منفی در پی دارد و نباید اعتیاد مسأله‌ای شخصی و متناسب با ویژگی‌های هر زن تلقی گردد، همان‌طور که در پرونده مذکور قرائن موجود نیز حاکی از رضایت زوجه از این وضعیت نیست، در غیر این صورت زوجه درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش را طرح نمی‌کرد و حقوق خود را نیز برای رهایی از این وضعیت نامطلوب، بذل و بخشش نمی‌کرد.

اعتیاد به تنهایی آثار سوئی در پی دارد. اعتیاد افراد در خانواده بر سلامت روانی سایر اعضای خانواده نیز تأثیرگذار است و سایر اعضا فشار روانی زیادی را تحمل می‌کنند (منجری و دیگران، ۱۳۹۲، ۵۳) خانواده‌ها نقش بسیار پررنگی در اعتیاد فرزندان دارند و کیفیت زندگی فرزندان افراد معتاد پایین‌تر از سطح متوسط است و مناسبات اجتماعی و کیفیت زندگی آن‌ها مختل می‌شود و احساس عدم امنیت روانی و شرم و اندوه بر سیطره زندگی آن‌ها استیلا می‌یابد به‌خصوص در مواردی که مصرف مواد سنگین باشد، بنابراین اعضای خانواده دچار مشکل می‌شوند و اعتیاد به انزوا و نزاع بین زن و شوهر منتهی می‌شود و منجر به گرایش به بزهکاری می‌شود (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۸-۱۱۶ و سیار و اقلیما، ۱۳۹۲: ۵۰-۴۸). در موارد مصرف تفننی

مواد کم‌خطر، به دلیل ناخالصی مواد کم‌خطر، ارزان شدن مواد پرخطر، افزایش خرده‌فروشی مواد و ... نیز امکان تغییر مصرف مواد از کم‌خطر به پرخطر وجود دارد (امیرپور و قربانی، ۱۳۹۱، ۲۲۵-۲۲۲).

اعتیاد یکی از والدین، موجب تخریب رابطه والد و فرزند شده و والدین معتاد با فرزند بدرفتاری می‌کنند و نسبت به نیازهای او بی‌توجه هستند و موجب شکل‌گیری سبک دلبستگی ناایمن در فرزندان و عملکرد تحصیلی می‌شوند و مشکلاتی مانند اختلالات سلوک، بیش‌فعالی، سوءمصرف مواد را در پی دارد؛ بنابراین، اعتیاد کل خانواده را درگیر می‌کند (متقی قمصری و رستمی، ۱۳۹۸، ۱۴-۱۲)؛ بنابراین، با توجه به تبعات منفی اعتیاد، بعید به نظر می‌رسد که اعتیاد برای زنی، وضعیتی مطلوب و قابل تحمل تلقی گردد، مگر مواردی که زوجه نیز اعتیاد داشته باشد و یا مواردی که زنان، به وضعیت نابه‌سامان و آسیب‌ناشی از آن عادت می‌کنند و به آزار و اذیت از سوی شوهر در طولانی‌مدت وابسته می‌شوند و اعتماد به نفس خود را برای تصمیم‌گیری و جدایی از دست می‌دهند. در این موارد، وجود فرزند و یا درخواست آشتی پس از دعوا توسط شوهر، به بهانه‌ای برای ادامه زندگی مشترک تبدیل می‌شود، غافل از این‌که این رفتار تا چه حد بر سلامت روانی و جسمانی زن، اثر مخرب دارد و چه آینده‌ای در انتظار فرزندان است. فرزندان که از سوی یکی از والدین در معرض آسیب جسمی یا روانی مانند ضرب و شتم، تحقیر شدن و ... قرار دارند، به احتمال زیاد، در آینده ناتوان از دفاع در برابر افرادی که قصد سوءاستفاده مالی یا جنسی از آن‌ها را دارند، خواهند بود و به بزهکاری روی می‌آورند و به سوءمصرف مواد تمایل دارند و ادامه‌دهنده راه والدین خواهند بود؛ بنابراین، آسیب‌های اعتیاد نسبی و شخصی نمی‌باشد. در پرونده

مذکور، علاوه بر اعتیاد پرخطر، مشکلات دیگری نیز وجود دارد، عدم پرداخت نفقه نه از دید عرف و نه از لحاظ شرعی، وضعیت مطلوبی تلقی نمی‌شود و زن محکوم به سوختن و ساختن در این زندگی نیست و حق ادامه زندگی سالم و ازدواجی دوباره را دارد.

طبق فرمایش شهید مطهری، اسلام هرگز نخواستہ است که زن را با زور نگهدارد؛ قانون شاید بتواند به زور و اجبار، زن را در خانه مرد نگه دارد و مرد را مجبور به انجام وظایف و نگهداری از زن و غیره بکند، اما قادر نیست زن را در مقام طبیعی خود در محیط زناشویی یعنی مقام محبوبیت و مرکزیت، و مرد را در مقام و مرتبه یک فداکار نگه‌دارد (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۴۸ و ۲۶۷).

واگذاری اختیار تشخیص عسر و حرج به قاضی، منجر به اعمال سلیقه و بی‌عدالتی می‌گردد و ممکن است امر ساده‌ای مانند سردی در رفتار و سوءظن که در بسیاری از موارد با مراجعه به مشاوره خانواده حل می‌گردد، عسر و حرج تلقی گردد و این زندگی به سادگی از هم بپاشد و مسأله‌ای مهم مانند اعتیاد و ضرب و شتم را عسر و حرج تلقی نکنند، اعطای فرصت مجدد به مردان موجب می‌شود، زن و فرزندان او در وضعیت نابسامانی رها گردند و ممکن است تبعات اعتیاد را بپذیرند و زن به علت مأیوس شدن از نتیجه دعوا، بار دیگر نیز طرح دعوا نکند. امکان الزام زوج به ترک اعتیاد موجب حل مشکلات زوجه نخواهد شد.

نتیجه

علی‌رغم اختلاف در سایر مصادیق، درخصوص اعتیاد زوج رویه واحدی وجود دارد و عسر و حرج به علت اعتیاد شخصی تلقی می‌شود و

به آسانی نمی‌توان دشواری شرایط حاصل از آن را اثبات کرد، حتی در مواردی که زوج سوءرفتار داشته و مصادیق دیگری نیز مانند عدم پرداخت نفقه و ضرب و شتم و ... نیز به‌همراه اعتیاد وجود داشته باشد و زن ناچار است برای اثبات عسر و حرج خود، مهریه و حقوق خود را بذل و بخشش کند تا برای محاکم غیر قابل تحمل بودن شرایط اثبات شود و این امر موجب می‌شود زن بدون پشتوانه با فرزند خود، با توجه به تبعات طلاق و آثار آن در جامعه رها گردد.

در پرونده‌هایی با موضوع درخواست طلاق به علت اعتیاد، داوری از کارایی لازم برخوردار نیست و این مصداق اختلاف جزئی محسوب نمی‌شود که با نظام ریش‌سفیدی و صلح حل شود، بلکه نیاز به مشاوره تخصصی دارد. در صورتی که زوج سابقه ترک اعتیاد نداشته است و علاقه‌مند به ادامه زندگی و بازسازی آن با توجه به نظر مراکز مشاوره خانواده باشد، بایسته است که به مراکز ترک اعتیاد معرفی شود و زمانی برای ترک و رفع عسر و حرج زوج در نظر گرفته شود و مقرر شود زوجین پس از گذشت مدت زمان مشخص شده توسط قاضی به دادگاه مراجعه کنند تا رفع عسر و حرج محرز شود، نه این‌که حل مشکلات آن‌ها به خودشان واگذار شود و به استناد الزام زوج به ترک، زن در دشواری و مشقت رها شود.

بایسته است که محاکم، به جای صرف استناد به گزارش پزشکی قانونی با استعلام از مراکز ترک اعتیاد و تعداد دفعات ترک و ارجاع زوجین به مراکز مشاوره خانواده و واحدهای مددکاری اجتماعی، شدت آسیب‌زایی اعتیاد را احراز کنند و سپس رأی مقتضی صادر نمایند. خلاً قانونی در خصوص معیار تشخیص عسر و حرج نباید منجر به شخصی تلقی نمودن

مصدق اعتیاد شود، این معیار با توجه به عموم زنان و توان تحمل آن‌ها به خصوص در مواردی که اعتیاد مضر است، مشقت‌بار است، حتی در مواردی که اعتیاد تفننی است باید به مراکز مشاوره خانواده و مددکاری ارجاع داده شود و رد دعوا منوط به اصلاح زوج باشد. بنابراین، اعتیاد با توجه به شدت آسیب‌زایی و تبعات منفی آن، نوعی می‌باشد و لازم به ذکر است که این مصداق با توجه به تبعات آن، مجرای رعایت اصل احتیاط نیست. عسر و حرج به علت اعتیاد می‌تواند منجر به ضرر جانی و حیثیتی برای زوجه گردد و آثار مخرب و غیر قابل جبرانی برای زن و فرزندان به همراه دارد و ممکن است آن‌ها را به سوی بزهکاری، اعتیاد و گناه سوق دهد. مردود اعلام نمودن دعوی زوجه و رد عسر و حرج در این موارد و سخت‌گیری محاکم در اثبات آن و سوق دادن زنان برای گذشتن از حقوق و مهریه خود برای اثبات عسر و حرج، خلاف قاعده لاضرر می‌باشد و منجر به بی‌عدالتی می‌گردد.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، *لسان العرب*، جلد ۱، چاپ چهاردهم، داراحیاء التراث العربی: بیروت.
- احسان پور، سید رضا و راحله و نداله بداشتی (۱۳۸۹)، «طبقه‌بندی نوین مواد مخدر در پرتو مطالعه تطبیقی»، *فصل نامه حقوق پزشکی*، سال چهارم، شماره چهاردهم.
- اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۳)، «جایگاه عسر و حرج در قانون و رویه»، *فصل نامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، شماره ۳۴ و ۳۵.
- امیرپور، مهناز، محسن قربانی (۱۳۹۱)، «علل تغییر الگوی مصرف مواد مخدر از کم‌خطر به پرخطر»، *فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال سیزدهم، شماره ۴۸.
- بوالهری، جعفر، فاطمه رمضان‌زاده و نسرین عابدی‌نیا و محمدمهدی تقی‌زاده و هاجر پهلوانی و سیدمهدی صابری (۱۳۹۱)، «بررسی برخی علل منجر به تقاضای طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران»، *مجله تخصصی اپیدمی ایران*، دوره ۸، شماره ۱.
- جعفرزاده، سیامک (۱۳۸۸)، «کنکاشی فقهی و حقوقی در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی»، *فصلنامه مطالعات حقوق*، سال اول، شماره دوازدهم.
- جلالی، سید مهدی (۱۳۸۸)، *اختیار زوجه در طلاق در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی*، چاپ اول، انتشارات خرسندی: تهران.
- حاتمی، علی اصغر، مرضیه شرقی (۱۳۹۷)، «تأملی در ضرورت احراز عسر و حرج در محاکم جهت صدور حکم و گواهی عدم امکان سازش در کلیه طلاق‌ها»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال ۱۰، شماره ۱۹.
- حر عاملی، مرتضی (۱۴۰۳)، *وسائل الشیعه*، چاپ پنجم، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم: بیروت.

- حسینیان، میترا (۱۳۸۴)، «بررسی اعمال قاعده عسر و حرج در طلاق»، مجله حقوقی عدالت آرا، شماره ۲ و ۳.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۵)، موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی: حواری جدیدترین استفتانات در زمینه مسائل قضایی، جلد اول، نشر شکوری.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۹)، منهاج الصالحین، جلد ۲، چاپ بیست و یکم، مطبوعه النعمان: نجف.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۳)، «داوری در طلاق»، ماهنامه دادرسی، ۴۳.
- ریحانی، طیبه، محمد عجم (۱۳۸۱)، «بررسی علل طلاق در شهر گناباد»، افق دانش، سال هشتم، شماره ۲.
- زنجانی، محمود جمال الدین، مصطفی شریفی (۱۳۹۴)، «موارد طلاق زوجه توسط حاکم در فقه و قوانین مدنی»، فصل نامه علمی تخصصی پژوهش نامه فقهی، سال چهارم، شماره اول.
- سیار، ثریا، مصطفی اقلیما (۱۳۹۲)، «مقایسه کارکرد خانواده در مردان متأهل معتاد و غیرمعتاد»، مجله علوم پیراپزشکی و توان بخشی مشهد، دوره ۲، شماره ۲.
- صادقی مقدم، محمد حسن، محمدعلی انصاری پور (۱۳۸۴)، «طلاق حرجی و نقد آرای محاکم در این زمینه»، نامه مفید، شماره ۵۲.
- صانعی، یوسف (۱۳۷۶)، مجمع المسائل، چاپ اول، جلد ۱، میثم تمار: قم.
- صدر الاشرافی، مسعود، معصومه خنکدار طارسی و ژدر شمشخانی و مجید یوسفی افراشته (۱۳۹۱)، «آسیب شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن»، فصل نامه مهندسی فرهنگی، سال هفتم شماره ۷۴.
- صفایی، سید حسین، اسدالله امامی (۱۳۷۹)، حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۳ق)، العروه الوثقی، جلد ۶، مؤسسه نشر الاسلامی: قم.

- طباطبائی قمی، سید نقی (۱۴۱۸)، **مبانی منهاج الصالحین**، جلد ۱، دارالسرور: بیروت.
- عزیزی، صادق (۱۳۹۶)، «عسر و حرج به درخواست زوجه»، **فصل نامه علمی حقوقی قانون یار**، دوره اول.
- علائی رحمانی، فاطمه (۱۳۸۴)، **مطالعات زنان**، سال سوم، شماره ۸، تابستان و پاییز.
- علی مرادی، صدیقه، ایران باغبان و مریم السادات فاتحی زاده و محمود جلالی (۱۳۸۹)، «مقایسه اثربخشی فرآیند داوری و مشاوره خانواده بر کاهش تعارض زوجین مراجعه کننده به دادگاه های خانواده شهر اصفهان»، **فصل نامه جامعه شناسی کاربردی**، ۲ پیاپی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۰)، **جامع المسائل**، جلد ۱، چاپ یازدهم، مطبوعاتی امیر: قم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، **حقوق خانواده**، چاپ ششم، شرکت سهامی انتشار: تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، **حقوق مدنی، خانواده**، جلد ۵، انتشارات بهمن برنا.
- کشوری، عیسی (۱۳۷۳)، «طلاق قضایی و بررسی نحوه اعمال قاعده عسر و حرج در طلاق»، **زن روز**.
- کشوری، عیسی (۱۳۷۴)، **کاربرد قواعد فقه در حقوق**، چاپ اول، انتشارات غیاث: بی جا.
- متقی قمصری، عطیه سادات، رضا رستمی (۱۳۹۸)، «اعتیاد والدین، مشکلات فرزندپروری و آسیب شناسی روانی در فرزندان»، **رویش روانشناسی**، سال ۸، شماره پیاپی ۳۹.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۴)، **بررسی فقهی حقوق خانواده**، چاپ یازدهم، مرکز نشر علوم اسلامی.
- (۱۳۸۸)، **قواعد فقه**، جلد ۱، چاپ ۲۱، مرکز نشر علوم انسانی: تهران.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ ۳۳، انتشارات صدر. صدر.
- معین، محمد (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی معین، جلد ۱ و ۲، انتشارات امیرکبیر.
- منجری، حمیده، ناهید دخت شریفی نیستانک و نعیمه سید فاطمی و محمد حیدری و منصوره قدوسی (۱۳۹۲)، «مشکلات روانی-اجتماعی در خانواده‌های معتادین»، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران (نشریه پرستاری ایران)، دوره ۲۶، شماره ۸۳.
- نراقی، احمد (۱۴۰۸)، عوائد الایام، مکتبه بصیرتی: قم.
- نریمانی، محمد، سارا علایی و نادر حاجلو و عباس ابوالقاسمی (۱۳۹۳)، «بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی در فرزندان افراد معتاد»، توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۱.
- نوری طبرسی، میرزا حسن (۱۳۸۲)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مکتبه الاسلامیه: تهران.